

اوضاع عراق از نگاهی دیگر

کتاب عبد العزیز سلیمی
برهان و مرجع و اسرار

اهداف، و سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی و داخلی و خارجی دولت‌های آمریکا و انگلیس، و پیشینه تاریخی استعمارگری آنها؛

۳- نقش رژیم صهیونیستی اسرائیل در بحران آفرینی‌ها، بازیگری‌های بین‌المللی و نقش آن رژیم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و آگاهی‌ها از باورهای دینی توراتی و تلمودی صهیونیست‌ها از جمله اعتقاد دینی آنان به اینکه از رود نیل در مصر تا رود فرات در عراق از آن یهود است و غیریهودیان جانورانی در شکل و شمایل انسان می‌باشند و...

۴- مبانی فکری، تاریخی، سیاست‌ها، رابطه‌ها و اهداف حزب بعث، حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری بارزانی، اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی، مجلس اعلا به رهبری عبدالعزیز حکیم، مرجعیت سیستانی، حزب الدعوه به رهبری ابراهیم جعفری، کنگره ملی عراق به رهبری احمد چلبی، حزب وفاق ملی با رهبری ایاد علاوی، حزب اسلامی به رهبری دکتر محسن عبدالحمید، هیئت علمای اهل سنت به رهبری دکتر حارث ضاری، جناح مقتدی صدر، جناح خالصیه و شناختی کلی از هزاران نفر از معارضین قبلی عراق که مدت زمانی زیادی را در لهستان دوره‌های اطلاعاتی و نظامی را زیر نظر سازمان سیا و پنتاگون گذرانده‌اند و...

۵- نقش قدرت‌های بین‌المللی در گذشته و حال وضع پیش آمده در عراق، نقش صاحبان کارخانه‌های اسلحه‌سازی، شرکت‌های نفتی، کلیسا و مبشرین مسیحی؛

۶- ساختار عشیره‌ای، دینی، تاریخی و ملی جامعه عراق؛

۷- برخورداری از منابع معلوماتی مطمئن و بی‌طرف؛

۸- آگاهی از اهداف و سیاست‌های کشورهای منطقه به ویژه همسایگان عراق؛

۹- از همه مهمتر دارا بودن معیار سنجش پذیرفته شده شرعی، و مبانی قوانین بین‌المللی برای قضاوت و داوری صحیح علمی در مورد اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های هر یک از اطراف درگیر در مسائل عراق؛

۱۰- برای باورمندان به اسلام آگاهی کافی از نصوص قرآن و سنت، اصول فقه، سیاست شرعی، معرفت فقه و واقعیت‌ها، فقه اولویت‌ها، فقه موازنه‌ها و فقه مصالح، جزو پیشنیازهای ضروری داوری درباره

بررسی، داوری و صدور حکم شرعی یا قانونی و سودمند و یا زیانبار شمردن رویدادها و پدیده‌های مختلف به ویژه رویدادهای سیاسی، پیش از شناخت دقیق و بررسی اسباب، پیشینه، باورها و اهداف پدیدآورندگان و بازیگران آن نمی‌تواند اقدامی آگاهانه، پرهیزکارانه و دادگرانه باشد. تحلیل رویدادهای سیاسی که با توجه به نقش آنها در تمامی ابعاد زندگی جامعه‌ها از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار است، همچون دیگر رشته‌های علوم به متخصصین و خبرگانی نیاز دارد که در تحلیل، نتیجه‌گیری و داوری خود معیارهای خاصی را مراعات نمایند.

در حوزه پدیده‌های سیاسی، به ویژه از نوع بین‌المللی آن نیز تنها گروه‌های کارشناسی و متخصص سیاسی، حقوقی و فقهی هستند که تحلیل، نتیجه‌گیری علمی و قضاوت و یا حکم شرعی مناسبی را می‌توانند ارائه بدهند، تحلیل و داوری دیگران چیزی در حد اظهارنظر فردی است و بس که غالباً غیر علمی و غیر کارشناسانه و برخاسته از عاطفه، احساسات، انگیزه‌های نژادی، تعصبات مذهبی و مسلکی و... می‌باشند.

از آنجا که موضوع مورد بحث ما با بحران عراق در ارتباط است، از آن به عنوان مثال یاد می‌کنیم.

فرد، هیئت، حزب و یا حکومتی تنها زمانی از تحلیل اوضاع آن کشور می‌توانند نتیجه‌گیری و داوری درستی داشته باشند، که بر پایه راهکارهای علمی، آکادمیک و کارشناسانه عمل کنند و با تمامی اطراف درگیر در صحنه سیاسی آن کشور آشنایی داشته باشند و با معیارها و موازین دانش سیاسی، اصول و مبانی قضاوت قانونی، صدور حکم شرعی و راهکارهای تعامل با گونه‌های متفاوت رویدادهای صحنه آن کشور آشنا باشند.

به عبارت دیگر تنها در شرایطی می‌توانند از تحلیل درست و نتیجه‌گیری و داوری شرعی و قانونی آن برآیند که پیش‌نیازها و ضرورت‌های آن را مراعات نمایند که به طور اجمال عبارتند از:

- ۱- شناخت اصول، مبانی، راهکارها، اهداف، وابستگی‌های مذهبی، ایدئولوژیکی و سیاسی احزاب و شخصیت‌های کلیدی و گرایش‌های تاثیرگذار در صحنه سیاسی آن کشور؛
- ۲- آشنایی با ساختار فکری، برنامه‌ها، لابی‌های صاحب نفوذ،

هر گونه پدیده و موضوعی از جمله امور سیاسی است. زیرا صدور حکم در حوزه مسائل سیاسی اهمیت و حساسیتش به مراتب از صدور حکم درباره مسائل شخصی و فردی بیشتر است.

به نظر اینجانب در چنین مواردی، ضمن اینکه هر کس در حد توان خود لازم است تحقیق کند و حق اظهار نظر دارد، اما پیش از داوری و صدور حکم آن را به مجمعی علمی و هیئتی قانونی و یا شرعی باید عرضه نمود تا آن را مورد بررسی کارشناسی قرار بدهند.

البته این موضوع چیزی طبیعی است که هر کس بنا بر تشخیص خاص خود شخصی، هیئتی و یا مرجعیتی را برای خود برگزیند. برای مثال ناسیونالیست ها، سکولارها و لیبرال ها دارای منابع اطلاعاتی و توجیهی و رهبری های خاص به خود هستند.

اما در اینجا روی سخنم با اسلام خواهان، آگاهان از مبانی حقوق بین الملل و مدافعان دین، فرهنگ، تاریخ و سرمایه های مادی و بشری و تمدن امت اسلامی است، که لازم است به جای کسب اطلاعات و تبعیت از تحلیل رسانه های وابسته به گرایش های سکولاریستی، ناسیونالیستی و لیبرالی غربی به منابع اطلاعاتی مطمئن مانند: روزنامه ها و سایت ها و رسانه هایی که دیدگاه شخصیت ها و هیئت های مورد اعتماد را ابلاغ می نمایند، مراجعه نمایند و در صورتی که خود از کار تحقیقی گسترده علمی ناتوانند: هر یک با توجه به گرایش فکری و مسلکی خود به مراجعی بین المللی مانند: «اتحادیه جهانی علمای مسلمین» که از صدها عالم و کارشناس در رشته های مختلف فکری، سیاسی، فقهی و اقتصادی و... متشکل است، مراجعه نمایند.

مادر اینجا به پاره ای از مسائل در ارتباط با اوضاع عراق، از جمله این ادعای آمریکایی ها که اقدام آنها به براندازی رژیم قبلی عراق اقدامی در جهت نجات مردم آن کشور از دیکتاتوری حزب بعث و تلاش برای گسترش دموکراسی و آزادی در منطقه بوده است! همچنین مسائلی مانند: قدرالایسم، انتخابات اخیر و قضیه جنجالی مقاومت با استفاده از دیدگاه های: اتحادیه جهانی علمای اسلام، هیئت علمای اهل سنت، رهبریت عام اخوان المسلمین، حزب اسلامی و تعدادی از کارشناسان مستقل عراقی مسائل آن کشور مطالبی را حضور شما خوانندگان گرامی ارائه می دهیم.

اشغال عراق؛

بسیاری از کارشناسان مستقل مسائل بین المللی در

منطقه و در غرب در این مورد اتفاق نظر دارند که اهداف آمریکا، انگلیس و کشورهای هم پیمان از اشغال عراق در موارد زیر خلاصه می شود:

۱- کنار نهادن رژیم بعث که اگر رسماً کار گزار آمریکا هم نبوده باشد با جنگ آفرینها و ماجراجویی ها و استبداد و خودکامگی هایش زمینه را برای تسلط بیگانگان فراهم گردانیده بود.

۲- غارت نفت عراق، برای جبران خسارت یک هزار میلیارد دلاری مستقیم و غیر مستقیم عملیات ۱۱ سپتامبر. و سر و سامان دادن به روند رو به کاهش درآمدهای خارجی آمریکا.

۳- حفظ امنیت اسرائیل در برابر رژیمی که پیشتر ۳۹ موشک به آن کشور پرتاب کرده بود، رژیمی که از هر جهت خود را در تنگنا و محاصره می دید و امکان هر گونه ماجراجویی انتقامی از جانب آن وجود داشت.

۴- سرکوبی و مهار حرکت ها و حکومت های -به قول آمریکایی ها - سرکش و خارج از قانون مانند: ایران و سوریه و در نتیجه تحت فشار قرار دادن حرکت های حماس، جهاد اسلامی و حزب الله لبنان و... برای پایان دادن به مبارزه علیه رژیم صهیونیستی.

۵- جلوگیری از سقوط رژیم های وابسته به غرب بر اثر حرکت های مردمی، کودتاهای احتمالی و پیشگیری از تکرار نمونه انقلاب ایران و کودتای سودان در دیگر کشورهای منطقه.

۶- از بین بردن زیربنای اقتصادی، نیروی نظامی و امکانات مادی، انسانی و علمی عراق.

یادآوری این موضوع شرعی و مورد اتفاق را به کسانی که احکام و ارزش های دینی را مرجع خود به شمار می آورند لازم می دانم که: علمای مجتهد و مستقل در گذشته و در عصر حاضر در این مورد که اگر رویارویی و اقدام مسلحانه علیه حکام مستبد به فتنه و فساد و کشتار بیشتری بیانجامد، نامشروع است، اتفاق نظر دارند.

هیچ انسان آگاهی استبداد و جنگ آفریزی و خودکامگی سران حزب بعث میشل عفلق صلیبی را انکار نمی کند. اما نباید فراموش کرد که تحریم ۱۱ ساله آمریکا از طریق سازمان ملل به اعتراف سازمان های مستقل غربی سبب مرگ بیش از یک میلیون و دویست هزار عراقی به ویژه کودکان و مستمندان بر اثر کمبود مواد غذایی و خدمات درمانی شده و آن تحریم همچون بمباران اتمی هیروشیما - هر چند زمینه سقوط سیاسی و نظامی رژیم عراق را فراهم نموده بود - اما در واقع نوعی از اقدام به کشتار دسته جمعی بوده است.

تحریم ۱۱

سأله آمریکا از

طریق سازمان

ملل به اعتراف

سازمان های

مستقل غربی

سبب مرگ بیش

از يك ميليون

و دويست هزار

عراقی به

ویژه کودکان

و مستمندان بر

اثر کمبود مواد

غذایی و

خدمات درمانی

شده است.

همچنین به اعتراف سازمان‌های رسمی و روزنامه‌های غربی از آغاز اشغال عراق تا سه ماه پیش یکصد هزار انسان عراقی که ۹۵٪ آنان غیر نظامی بوده‌اند بدست نیروهای اشغالگر و کشته شده‌اند.

اضافه بر آن قتل و کشتارها، ترور افراد مختلف از دو طرف حامیان و مخالفان اشغالگران، نابود شدن ساختار زیربنایی، غارت گسترده آثار ملی و باستانی به وسیله احزاب همکار با آمریکایی‌ها و انفجارهای گسترده که بسیاری از گروه‌های عراقی از جمله: حزب اسلامی، هیئت علمای مسلمین، جماعت مقتدی صدر و جماعت خالصیه (اهل تشیع) بر این باورند که آن نوع از انفجارها که در مراکز عمومی و غیر نظامی روی می‌دهند شواهد زیادی وجود دارد که به وسیله سازمان‌های اطلاعاتی اشغالگران و موساد اسرائیل با هدف آلوده نمودن چهره مقاومت مشروع و قانونی و تقویت اختلافات مذهبی و ملی صورت می‌گیرد.

و عده آزادی و دموکراسی:

یکی از سوابق سوء استعمارگران برای گسترش حاکمیت خود بر دیگران بهره‌گیری برنامه‌ریزی شده برای تغییر ذهنیت‌ها و باورها و یا به عبارت دیگر شششوی مغزی و استعمار تعداد هر چه بیشتری از افراد تأثیرگذار بر جامعه و مردم است. در واقع همان اشخاص در ظاهر خودی بوده و هستند که بیش از هر عامل دیگری زمینه حاکمیت بیگانگان را فراهم نموده و می‌نمایند.

متأسفانه امروزه تعدادی از روشنفکر نمایان در دنیای اسلام با برخورداری از حمایت سازمان‌های متعلق به بیگانگان و برخی از حکومت‌های وابسته پایشان در اینگونه دام‌ها گیر افتاده و در قالب باورهای بیگانه‌ای مانند: لیبرالیسم، سکولاریسم و ناسیونالیسم از نوع نژادپرستی آن زمینه را برای حاکمیت بیگانگان و در معرض خطر قرار دادن مصالح درجه اول دنیای اسلام فراهم می‌نمایند.

از بسیاری از روزنامه‌نگاران و نویسندگانی که در رسانه‌های کشورهای اسلامی در رابطه با تلاش آمریکا برای ایجاد دموکراسی در عراق و اینکه آن را الگویی برای گسترش دموکراسی در خاورمیانه تلقی می‌کنند، باید بسیار متعجب شد، تعجب از این که مگر آنان نمی‌دانند آمریکا در طول تاریخ دخالت‌های غیرقانونی و غیراخلاقی خود در جهان در هر شرایطی حامی پروپاقرص دیکتاتورهای وابسته به خود مانند: پینوشه، بوریقیه، نظامیان ترکیه، شاه اردن، شیوخ کویت و حسنی مبارک، و حاکمان دیکتاتور و صهیونیست شده موریتانی و دیکتاتور نظامی پاکستان و... بوده و هست؟

☑ یکی از سوابق سوء استعمارگران برای گسترش حاکمیت خود بر دیگران بهره‌گیری برنامه‌ریزی شده برای تغییر ذهنیت‌ها و باورها و یا به عبارت دیگر شششوی مغزی و استعمار تعداد هر چه بیشتری از افراد تأثیرگذار بر جامعه و مردم است.

۱- مگر نمی‌دانند اگر حمایت‌های همه‌جانبه اطلاعاتی، سیاسی و نظامی، آمریکا و انگلیس از بسیاری از دیکتاتورهای منطقه قطع شود، چند صباحی بیشتر دوام نخواهند آورد و در انتخاباتی مردمی و یا عصبیانی عمومی به سرنوشت شاه ایران و چاوشسکو رئیس جمهور قبلی رومانی دچار خواهند شد؟

۲- مگر خبر ندارند که در دو سال گذشته ۶۳ خبرنگار در عراق غالباً بدست نیروهای اشغالگران کشته شده‌اند، و زمانی که «ایسون گاردن» مدیر خبر تلویزیون آمریکایی (CNN) تنها احتمال می‌دهد که آنان به عمد از طرف نیروهای آمریکایی هدف قرار گرفته‌اند او را ناچار به استعفا می‌کنند؟

آیا آمریکا در شرایطی که رقم بدهی‌های خارجی آن کشور به رقم سرسام‌آور ۸ تریلیون (هشت هزار میلیارد) دلار رسیده و تلاش دارد بحران کسری شدید تجارت خارجی و دیگر مشکلات اقتصادی خود را از مردم پنهان کند، هزینه سیصد میلیارد دلاری جنگ افغانستان و عراق را به خاطر مردم آن دو کشور پرداخت کرده و بیش از ۲۰۰۰ سرباز خود را به کشتن داده است، یا برای حفظ مصالح نامشروع و غارتگرانه خود.

۳- دولت‌های آمریکا و اسرائیل بسیاری از سیاست‌های کلی را بر پایه مبانی مذهبی خود تدوین می‌کنند و جورج بوش جنگ خود را در عراق جنگ صلیبی و کشیش رابرتسون مرجع مذهبی او پیامبر بزرگوار اسلام را سردسته تروریست‌ها می‌نامد، اسرائیل پارلمان خود را کنیست (عبادتگاه خاص یهودیان) نامیده و بر اساس تعالیم تلمود و تورات غیر یهودی‌ها را انسان به‌شمار نمی‌آورد، اما در جهان سوم به ویژه در جهان اسلام از سکولاریسم و جدایی دین از واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی، حمایت می‌نمایند؟!

۴- مگر خبر ندارند که: ۶۵٪ مردم اروپا - بر اساس آمار رسمی اتحادیه اروپا - رژیم نژادپرست اسرائیل مورد حمایت آمریکا و انگلیس را خطری جدی برای صلح و امنیت جهانی به‌شمار می‌آورند. اما برخی از سران احزاب وابسته و تجارت‌پیشه - همچون تعدادی از سران دولت‌های عرب - با آغوش باز از کارشناسان اطلاعاتی و نظامی آن رژیم استقبال می‌کنند و عامل اجرای برنامه‌های آنان می‌شوند؟

فدرالیسم:

مالک بن نبی اندیشمند نامی الجزایری، استاد محمد غزالی مصری و بسیاری از دیگر اندیشمندان بر این باورند

که در طول تاریخ همیشه استبداد داخلی، زمینه ساز استعمار خارجی بوده است و دیکتاتورهای ماجراجو بیش از دیکتاتورهای وابسته، به استعمارگران خدمت می کنند.

هیچکس با برخورداری تمامی ملت های ستمدیده - از جمله مردم کرد- از تمامی حقوق دینی، ملی و فرهنگی خود در چهار چوب حفظ هویت مورد قبول اکثریت مردم مخالف نیست و حکومت هایی که به آنان به عنوان شهروندان درجه دوم و سوم نگاه می کنند در واقع مرتکب ستم و ظلم آشکاری در حق آنان می شوند و ظلم ظلمات و مشکلات دنیا و عقبی را به دنبال دارد. از طرف دیگر خواسته یا ناخواسته زمینه را برای دخالت بیگانگان فراهم می کنند.

اما حکمت، مصلحت و احساس مسئولیت دینی و انسانی ایجاب می نماید که حکومت ها حقوق مسلم اقلیت ها را مراعات نمایند و با پذیرفتن راهکارهایی همچون تعامل عثمانی ها با ملیت ها و اینکه هر یک از آنها در ولایت و سرزمین خود از فدرالیسمی به مراتب بهتر از آنچه مورد نظر فریب خوردگان فرهنگ غرب و دروغگویی های آنهاست زندگی می کردند، به وظیفه دینی، انسانی خود عمل کنند و راه را بر دخالت بیگانگان ببندند.

زمانی که رژیم بعث شعار انحرافی ناسیونالیسم عربی را پایه و مایه تعامل خود با دیگر قومیت ها قرار داد، درست در دوره راهی که استعمارگران در میان ملت های دیگر به ویژه مسلمانان پیش روی عده ای خودباخته یا تشنه قدرت و ثروت قرار دادند، گام برداشت و با هر گام خود یک قدم به مرگ و فروپاشی نزدیک گردید، عکس العمل طبیعی آن تقویت روح ناسیونالیستی دیگر قومیت های تشکیل دهنده ساختار جمعیتی عراق گردید. و در واقع دشمنان با ترویج اندیشه ناسیونالیستی متعصبانه داشتند با یک تیر چندین نشانه را هدف قرار می دادند.

با ملاحظه این موضوع که قوم گرایی منفی و انگیزه های ناسیونالیستی توتالیتیر، و دامن زدن به تعصبات مذهبی یکی از حربه های استعمارگران برای متلاشی کردن روح برادری دینی و ملی و پارچه پارچه کردن مردم - که تمامی آنان از یک پدر و یک مادر آفریده شده اند- در راستای گسترش طرح قدیمی «تفرقه بینداز و حکومت کن» بوده و هست. که آخرین آنها تقسیم ملت عراق به سه گرایش (شیعی، کردی و سنی) است که در جهت ایجاد عداوت و دشمنی و زمینه سازی برای

تقسیم عراق به سه کشور کوچک که آسان بتوانند آنها را کنترل کنند، صورت گرفته است. از طرف دیگر بدترین شکل تحقیر و توهین به دین و فرهنگ ملت کرد به شمار می آید که مبلغین آن در برابر خدا، تاریخ و مردم هیچ توجیهی برای آن نخواهند داشت.

به نظر ما حربه و دام ناسیونالیسم نژادپرستانه ترکی، عربی، کردی، فارسی و جایگزینی عصبیت قومی برجای دیانت و اسلامیت (البته اسلام عدالت محور، اسلام حافظ حقوق انسان، اسلام علم و تمدن، اسلام نور، هدایت و وحدت) دام بسیار خطرناکی است که به وسیله کارشناسان کینه توز و بیگانه با اخلاق و انسانیت، ده ها سال است اعمال می شود. لذا اگر نژادپرستی حزب بعث منفور و «تعریب» زشت و غیر انسانی است، نژادپرستی کردی و «تکرید» نمی تواند خوب و انسانی باشد.

آنهاهی که دم از قومیت و ناسیونالیسم می زنند - که زمینه تشکیل خرده حکومت ها را فراهم می نماید - به آزادی و دمکراسی انگلیسی و آمریکایی چشم دوخته اند، در برابر تاریخ و مردم خویش و این پرسش ها و دیدگاه ها باید پاسخگو باشند و فکر کنند که:

۱- چرا غربی ها از جهانی شدن سخن می گویند و اتحادیه های نظامی، اقتصادی و جغرافیایی، مانند: ناتو، اتحادیه اروپا و بازار مشترک اروپا و... را تشکیل می دهند. اما در مورد ملت های دیگر به ویژه مسلمانان انگیزه های قومی و ملی و اختلاف های مذهبی را تقویت می نمایند؟!

۲- مگر همین غربی ها به ویژه انگلیسی ها و فرانسوی ها و روس ها نبودند که به هنگام تقسیم امپراتوری عثمانی برای ترک ها و عرب ها حکومت هایی را تشکیل دادند، اما ملت کرد را میان چندین کشور تقسیم کردند؟

۳- مگر اطلاع ندارند که ماشین جنگی صدام حسین علیه ملت کرد، با پول حاکمان کویت و برخی دیگر از کشورهای عربی به دستور آمریکا به راه انداخته می شد؟!

۴- مگر اطلاع ندارند که اسلحه شیمیایی حزب بعث که به وسیله آن بیش از ۵۰۰۰ نفر از مردم مظلوم حلبچه قتل عام شدند، به وسیله دونالد رامسفلد وزیر جنگ فعلی آمریکا از شرکت های آمریکایی برای آن رژیم تهیه شده بود؟

علاءالدین سجادی، ادیب و تاریخ نویس نامی کرد، می گوید: عامل تمامی بدبختی های ملت کرد، انگلیسی ها، روس ها و آمریکایی ها بوده اند؟

۵- مگر آخرین اظهار نظر جی گارنر صهیونیست را نشنیده اند که از حکومت فدرال یا مستقل کردی به این

✓ در طول تاریخ همیشه استبداد داخلی، زمینه ساز استعمار خارجی بوده است و دیکتاتورهای ماجراجو بیش از دیکتاتورهای وابسته، به استعمارگران خدمت می کنند.

دلیل حمایت می کند که کردستان عراق می تواند همچون فیلیپین به صورت پایگاهی نظامی برای آمریکا درآید؟
 پروفیسور کمال مجید و پروفیسور عباس ولی کورد، کارشناس مسائل بین المللی و استاد دانشگاه در انگلیس، می گویند: پیوند دادن سرنوشت ملت کرد به سرنوشت و مصالح آمریکایی و انگلیسی هاریسک بسیار خطرناکی است که احزاب کردی به آن دست زده اند؟

اگر روزنامه نگاران و نویسندگانی که از آزادی و دمکراسی و احترام به رأی اکثریت دم می زنند، در این ادعای خود صداقت دارند باید به آیین و فرهنگ دینی مورد قبول بیش از ۹۵٪ مردم کرد احترام بگذارند و بدانند که مسلمان بودن در نماز و روزه خلاصه نمی شود و آنان باید بتوانند احکام و ارزش های دینی خود را - که حکومت و سیاست بخشی از آنهاست در واقعیت های زندگی خویش به اجرا بگذارند.

علی رغم تمامی تلاش هایی که برای دور گرداندن ملت کرد از ارزش های آیین حیات بخش و آزادی بخش اسلام از طرف دشمنان کینه توز و عوامل آنها صورت می گیرد تعداد اندکی که فریب تبلیغات رسانه های وابسته به جریان های فکری و سیاسی بیگانه پرست را خورده اند دیر یا زود به آن توطئه خطرناک پی خواهند برد و اسلام و قرآن را بر بوش و تورات و انجیل و فرهنگ غربی ترجیح خواهند داد.

همه می دانند که ملت های کرد عراق و ترکیه و... قربانی نژادپرستی حزب بعث و پیروان کمالیسم گردیده اند... و این بدان معنی است که ناسیونالیسم نژادپرستانه در نهایت اگر حاکم بگردد و فرصت پیدا کند چیزی بهتر از سرکوب گری های صدام و کمالیست ها نخواهد بود. اما چرا عده ای می خواهند ملت کرد را فقط کرد (نه مسلمان و نه سنی) معرفی کنند و او را در این گمراهی خطرناک سوق دهند؟

در حالی که قومیت و ملی گرایی مثبت و سازنده و قرار گرفته بر روی دین و فرهنگ خودی و به دور از بردگی بیگانگان از نظر اسلام آیه و نشانه ای از قدرت و حکمت خداوند است و انکار ملیت ملت ها و نادیده گرفتن فرهنگ و حقوق آنان در واقع پیش از آنکه ستم و اجحاف باشد انکار آیات خداوند است.

کسانی که گمان می کنند آمریکایی ها به دنبال گسترش دمکراسی در کشورهای عربی و اسلامی هستند فکر می کنم خبر نداشته باشند که قضیه عکس این است و آمریکایی ها و انگلیسی ها برای محافظت از مزدوران خود در برابر تغییرات احتمالی بیش از گذشته در منطقه

✓ قومیت و ملی گرایی مثبت و سازنده و قرار گرفته بر روی دین و فرهنگ خودی و به دور از بردگی بیگانگان از نظر اسلام آیه و نشانه ای از قدرت و حکمت خداوند است.

حضور پیدا کرده اند، زیرا بسیاری از حکام کشورهای اسلامی و جهان سوم از طرف استعمارگران برای اجرای مقاصد و اهداف زیر ماموریت درازمدت دارند:

۱- جلوگیری از پیشرفت صنعتی و خودکفایی اقتصادی به ویژه در عرصه صنایع مادر.

۲- جلوگیری از آزادی و دمکراسی و بر سر کار آمدن حکومت های مردمی و احزاب اسلامی و غیر وابسته به غرب.

۳- تقویت اندیشه های سکولاریستی، لیبرالیستی و ناسیونالیستی.

۴- ترویج فرهنگ غربی از طرق مختلف.

۵- جلوگیری برخی از کشورهای عربی نزدیک به آمریکا و انگلیس از رای دادن و رانندگی زنان برای بدنام نمودن اسلام و مسلمانان.

۶- لازم به یادآوری است که بسیاری از دیکتاتورهای منطقه با خانواده بوش، دیک چنی و رامسفلد در شرکت های نفتی و... شراکت نزدیک دارند.

چرا آمریکایی ها و دیگر دولت های استعماری در عرض چند هفته با وارد نمودن فشار سیاسی و نظامی بر حکومت اندونزی آن کشور را ناچار به دادن استقلال به استان تیمور شرقی نمودند و برای استقلال مسیحیان جنوب سودان تلاش بین المللی وسیعی را صورت می دهند، اما ده ها سال است که محورهایی بحرانی مانند: قضیه فلسطین، کشمیر، چچن، جنوب فیلیپین را حل نشده باقی گذاشته اند؟

۷- آمریکای مدعی آزادی اطلاع رسانی برای مهار شبکه تلویزیونی «الجزیره» بر امیر قطر فشار می آورد و دفاتر آن را در کابل و بغداد بمباران می نماید و خبرنگار آن را به شهادت می رساند؟ زیرا می خواهد در برابر زورگویی ها و فجایعی که به بار آورده است هیچ صدایی از هیچ رسانه ای شنیده نشود و همه برده وار مطیع و گوش به فرمان آن فرعون عصر حاضر باشند.

انتخابات اخیر:

یازدهم بهمن ماه ۸۳ بخشی دیگر از سناریوی از قبل برنامه ریزی شده صلیبی و صهیونیست ها در عراق - بعد از سناریوی اسلحه کشتار جمعی، همکاری صدام با القاعده و پس از اقدام به کشتار و ویرانی گسترده در فلوجه - به نمایش در آمد، و - بنا بر نظر و گفته ناظران مستقل - انتخاباتی عجیب، مسئله دار و بی پایه و مایه در آن کشور با حضور تعدادی از احزاب غالباً قرار گرفته در صف حمایت از اشغالگران و تحریم آن به وسیله ۴۷ حزب و

سازمان شیعی و سنی و قومی و همراه با اصرار غریب بوش مبنی بر اجرای آن در موعد مقرر (انگار قرار بود انتخاباتی در امریکا صورت بگیرد) برگزار شد. و عملاً بر خلاف تبلیغات گسترده اشغالگران مبنی بر تحریم آن تنها به وسیله اهل سنت - بسیاری از احزاب شیعی و سنی و میهنی آن را تحریم کردند و عملاً احزاب و گروه‌ها به دو دسته حامیان و مخالفان سیاست‌های اشغالگران تقسیم گردیدند.

البته با احترام به مشارکت آن عده از مردم و گروه‌ها که بنا بر وعده مراجع و احزاب در این مورد که پس از انتخابات جدول زمانی خروج اشغالگران تهیه خواهد شد، اقدام به حضور در انتخابات نمودند، اما هنوز چند روز از انتخابات سپری نشده بود که جورج بوش به صراحت با تعیین جدول زمانی برای خروج از عراق مخالفت کرد و پیش از آن ایاد علاوی نخست‌وزیر موقت و احمد چلبی رئیس حزب کنگره ملی عراق مخالفت خود را با خروج اشغالگران اعلام نموده بودند؟ بسیاری از تحلیلگران و حقوقدانان مسائل بین‌المللی اعتقادشان بر این است، به این علت که اشغال عراق برخلاف قوانین سازمان ملل و بدون اجازه شورای امنیت آن سازمان صورت گرفته، هرگونه قانونگذاری توسط نماینده اشغالگران و یا مجالسی که در سایه حضور اشغالگران تشکیل شده باشد، غیرقانونی است.

همه اطلاع دارند که قوانین اداره دولت موقت عراق توسط شورای ۲۵ نفره و با امضاء و تایید پل برمر حاکم نظامی اشغالگران تدوین شده است، و از آنجا که بر پایه قوانین بین‌المللی شورای ۲۵ نفره حکومت موقت قبلی و اعمال حاکمیت نظامی آمریکایی‌ها غیرقانونی است، تمامی قوانین ناشی از آنها نیز غیرقانونی خواهد بود، و آنچه که بر پایه باطل قرار داده شده باشد نیز باطل به شمار می‌آید.

علاوه بر آن، جایگزین کردن رأی دادن به ارقام به جای اشخاص، شیوه خاصی است که بنا به گفته برخی از آگاهان از جمله: عبدالامیر علوان یکی از رهبران قبلی حزب الدعوة و سمیر عبید، کارشناس عراقی مسائل آن کشور، تنها در رژیم صهیونیستی آن نوع از انتخابات رایج است. بدین معنی که رای دهنده وقتی به شماره لیستی ۲۷۵ نفری رأی دهد، به صورت فله‌ای به همه آن ۲۷۵ نفر رأی داده است، حتی اگر به جای شماره به یک نفر از آنها رأی بدهد، همچون آن است که به تمامی آنها رأی داده باشد؟!

ظاهراً سبب این اقدام آن بوده است که تعدادی از

کاندیداهای مجلس ملی عراق خود را پشت سر مرجعیت و حمایت دسته جمعی احزاب مخفی نموده بودند، زیرا اگر به صورت مستقل کاندید می‌شدند به دلیل آنکه از پایگاه مردمی چندانی برخوردار نبوده و سال‌ها در خارج از عراق زندگی می‌کرده و تعدادی از آنان از همان افرادی هستند که دوره‌های سیاسی، اطلاعاتی و نظامی رازیر نظر سازمان سیا در لهستان دیده‌اند، از ورود به مجلس ملی باز می‌مانند.

از طرف دیگر گزارش‌ها و آثار و شواهدی وجود دارد که دست کم دو ماه پیش از انتخابات تعداد کرسی‌های هر یک از احزاب شرکت‌کننده در انتخابات با حضور جان نگر و پونته سفیر بدسابقه آمریکا در عراق و مشارکت احزاب مذکور تعیین شده بود.

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که هدف اصلی از اصرار آمریکا در ارتباط با برگزاری انتخابات در موعد مقرر، تلاش برای بر سرکار آوردن دولتی به ظاهر قانونی بوده است تا ضمن انعقاد قراردادهای نظامی و اقتصادی درازمدت به حضور خود در عراق مشروعیت ببخشد. این موضوع را به وضوح در سخنرانی موسوم به حالت همبستگی جورج بوش می‌توان دریافت.

بوش پیش از اعلان رسمی نتیجه انتخابات برگزاری آن را نشانه موفقیت آمریکا برای بر سرکار آوردن دولتی هم‌پیمان و قوی برای مبارزه با تروریسم به شمار آورد، و با تعیین جدول زمانی خروج از عراق مخالفت کرد و با آن سخنان خود نادرست بودن وعده‌های تبلیغاتی برخی از احزاب شرکت‌کننده را مبنی بر اینکه پس از انتخابات جدول زمانی برای خروج آمریکایی‌ها تعیین خواهد شد، معلوم گردید.

هدف بسیاری از شرکت‌کنندگان در انتخابات، پایان دادن به اشغال عراق از طریق کار سیاسی و علاقتمندی طبیعی و فطری به آزادی و بازگرداندن حاکمیت ملی بوده است، و حضور تمامی شرکت‌کنندگان ضرورتاً به معنای هواداری از احزاب شرکت‌کننده نبوده است.

به هر صورت دولتمردان آمریکایی تلاش‌های خود را برای بر سرکار آوردن حکومتی دست‌نشانده که با آن قراردادهای درازمدت نظامی و اقتصادی را منعقد کنند و از آن به عنوان اهرم فشاری علیه ایران و سوریه استفاده نمایند، پنهان نمی‌کنند.

لازم به یادآوری است که بر خلاف تبلیغات بسیاری که در ارتباط با انتخابات عراق به وسیله رسانه‌ها انجام می‌گیرد و آن را تاریخی، سرنوشت‌ساز و مشت‌محکمی بر دهان مخالفان و تروریست‌ها و... می‌نامند، این

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که هدف اصلی از اصرار آمریکا در ارتباط با برگزاری انتخابات در موعد مقرر، تلاش برای بر سرکار آوردن دولتی به ظاهر قانونی بوده است تا ضمن انعقاد قراردادهای نظامی و اقتصادی درازمدت به حضور خود در عراق مشروعیت ببخشد.

دیدگاه‌ها و خبرها نیز در مورد آن وجود دارد که:

۱- بر خلاف اعلام هیئت نظارت بر انتخابات مبنی بر مشارکت حدود ۸.۵ میلیون نفر، سمیر عبید رئیس «حرکت احیای دموکراسی» که خود عراقی و مذهبی و اهل تشیع است می‌گوید: تنها ۳۵٪ یعنی حدود چهار میلیون نفر از کسانی که حق رأی داشته‌اند در آن شرکت کرده‌اند. ۵۰۰ مورد تخلف در آن صورت گرفته است. مردم ۲۵ شهر عراق در انتخابات شرکت نکرده‌اند. از یک میلیون و سیصد هزار نفر از عراقی‌های که در خارج از آن کشور زندگی می‌کنند و دارای حق رأی بوده‌اند تنها دویست و هشتاد هزار نفر شرکت کرده‌اند.

۲- بسیاری از ناظران اوضاع عراق از جمله شخصیت‌هایی مانند: متفکر مشهور عراقی دکتر خیرالدین حبیب، دکتر سلمان جمیلی مدیر مرکز تحقیقات سیاسی دانشگاه نهرین، پروفیسور کمال مجید، دکتر سمیر عبید رئیس حزب احیای دموکراسی عراق، دکتر عبدالامیر علوان یکی از رهبران حزب الدعوة، دکتر سرمد عبدالکریم مدیر سایت «العراق للجمع» ۴۷ حزب و سازمان عراقی از جمله جناح مقتدی صدر، حزب اسلامی (اخوان المسلمین)، هیئت علمای اهل سنت و بسیاری دیگر از شخصیت‌های آگاه عراقی انتخابات اخیر را نمایشی از قبل طراحی شده و غیرقانونی می‌دانند که به هیچ وجه بیانگر رأی اکثریت جامعه عراق به شمار نمی‌آید.

۳- از هم اکنون آمریکا بر احزاب شرکت کننده فشارهای سختی را وارد نموده که سه وزارتخانه حساس کشور، دفاع و امور خارجه را به اشخاص کاملاً مورد اعتماد آمریکا بسپارند؟!

به هر صورت و همانگونه که پیش بینی می‌شد، اشغالگران زمینه را برای برتری سکولارها و لیبرال‌ها در مجلس آینده - با توجه به اینکه در میان ائتلاف مورد حمایت سیستمی تعداد قابل توجهی از آنها مانند افراد گنگره ملی به رهبری احمد چلبی وجود دارند - فراهم گردانیده است.

پس از اعلان نتایج انتخابات دکتر محمد بشار فیضی سخنگوی هیئت علمای اهل سنت نتایج را به دلایل زیر غیرقانونی و غیرواقعی خواند:

۱- برگزار شدن آن بدون وجود ناظران مستقل بین‌المللی،

۲- تحریم آن به وسیله اکثریت مردم عراق. سخنگوی هیئت علمای اهل سنت بر روی این موضوع تاکید نمود که: ما به هیچوجه با برگزاری انتخابات آزاد و حقیقی مخالف نبوده‌ایم و به این دلایل خواستار به تعویق

بسیاری از عالمان متخصص در شناخت مفاهیم دینی و ارتباط آنها با واقعیت‌ها بر این باورند که این باورند که تحریم انتخابات از جانب احزاب اهل سنت و جناح مقتدی صدر و مقاومت در برابر اشغالگران بر اساس پایبندی به «اصل و لاء» بوده است.

افتادن آن شده بودیم که:

۱- جدول زمانی خروج آمریکا و دیگر اشغالگران با تضمین بین‌المللی تعیین شود،

۲- اعضای هیئت دولت به عنوان برگزارکننده انتخابات در آن مشارکت نداشته باشند،

۳- سازمان‌های مستقل بین‌المللی بر آن نظارت کنند. سخنگوی هیئت علمای اهل سنت مشارکت در قانون اساسی آینده عراق را به التزام و اعتراف حکومت آینده به موارد زیر مشروط نمود:

۱- حجم قانونی خود را بداند و به حکومتی در حد اداره امور بسنده کند،

۲- در محافل بین‌المللی خود را نماینده تمامی مردم عراق به شمار نیاورد،

۳- از عقد قرارداد نظامی و سیاسی با اشغالگران خودداری نماید.

بسیاری از عالمان متخصص در شناخت مفاهیم دینی و ارتباط آنها با واقعیت‌ها بر این باورند که تحریم انتخابات از جانب احزاب اهل سنت و جناح مقتدی صدر و مقاومت در برابر اشغالگران بر اساس پایبندی به «اصل و لاء» بوده و آنان عملاً در برابر و سوسه‌های شیطان بزرگ و دجال عصر حاضر مقاومت نموده و راه خود را از راه عاملان نفوذ استعمارگران و فرصت‌طلبان جدا کرده، راه بزرگان و مجاهدانی مانند عبدالله بن زبیر و حسین بن علی را در پیش گرفته، در میدان آزمون سربلند بیرون آمده و دین خود را به دنیای دیگران نفروخته‌اند. البته این موضوع به معنای زیر سؤال بردن دین و ایمان تعدادی از احزاب ملی و اسلامی که در کنار حفظ اصول و مبانی دینی و بدون آنکه ابزار دست بیگانگان شوند با اوضاع جدید تعاملی منطقی و مصلحت‌اندیشانه داشته و در فرصت مناسب صف خود را از صف بردگان شیطان بزرگ جدا نموده و می‌نمایند، نیست.

البته این مسئله حساس را نباید از نظر دور داشت که احزاب حاضر در مجلس ملی آینده عراق در برابر آزمون‌های سختی قرار دارند، که در چند محور زیر خلاصه می‌شوند:

۱- ایجاد امنیت اجتماعی؛

۲- عمل به وعده اخراج آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها از عراق به رأی دهندگان خود و بازگردانیدن حاکمیت ملی؛

۳- سرو سامان دادن به اوضاع معیشتی و اقتصادی؛

۴- چاره‌اندیشی برای قانون جنجالی حق و توی قوانین مجلس مرکزی به وسیله سه استان از استان‌های عراق، که دیگر استان‌های شیعه و سنی نشین نیز ممکن است از

این اهرم استفاده کنند؛

۵- ایجاد توازن میان اهداف پایان ناپذیر صلیبی ها و صهیونیست ها و انتظارات سکولارها و مذهبی ها؛

۶- تدوین قانون اساسی که تمامی مؤلفه های تشکیل دهنده ساختار جمعیتی مذهبی، ملی و عشیره ای آن کشور را مورد توجه قرار دهد.

لازم به یادآوری است که دیدگاه رهبر معظم ایران اسلامی در ارتباط با اهداف استعمارگران در واقع دیدگاه بسیاری از ناظران مستقل و متعهد است. در پیام ایشان خطاب به حجاج آمده بود:

«در این استعمار فرانوین، مزدوران بیگانه مانند گذشته به طور مستقیم از سوی استعمارگران به کار گماشته نمی شود، بلکه در انتخاباتی که رأی مردم با تقلب و خدعه های رایج نادیده گرفته شده، کسانی به نام منتخب مردم بر سر کار می آیند. نام و ظاهر کار دموکراسی و باطن آن حاکمیت مطلق بیگانه بر ملت مظلوم است».

مقاومت:

بر پایه قوانین بین المللی مردم کشور اشغال شده حق دارند در برابر اشغالگران مقاومت نمایند، و هیچ انمان آگاهی و حتی خود غربی ها و آمریکایی ها اقدام غیر قانونی و خلاف اراده بین المللی دولت مرکب از صهیونیست ها و صلیبی های حاکم بر پنتاگون و کاخ سفید را در مورد اشغال عراق انکار نمی کنند.

تا جایی که به گفته دکتر احمد کیسی عالم و متفکر عراقی، خود جورج بوش نیز در مصاحبه ای در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران به اشغال غیر قانونی عراق اعتراف کرده و مقاومت در برابر اشغالگران را قانونی شمرده است. حتی اخیراً تعدادی از احزاب همکار با آمریکایی ها بر خلاف گذشته - که آنها را نیروهای ائتلاف برای آزادی عراق می نامیدند - با عنوان اشغالگران از آمریکایی ها و انگلیسی ها یاد می کنند.

البته مقاومت در برابر اشغالگران به هیچوجه به معنای اقدام به کشتن افراد بیگانه نیست و همانگونه که پیشتر گفته شد بسیاری از آگاهان اوضاع عراق بسیاری از انفجار و ترورها را کار سازمان های اطلاعاتی اشغالگران با هدف ضایع نمودن چهره مقاومت مشروع و قانونی به شمار می آورند.

بسیاری از آگاهان دانش نظامی آمریکا عملاً به این نتیجه رسیده که در باتلاق عراق زمینگیر شده و در جنگی دیگر همچون جنگ ویتنام خود را درگیر نموده است. همچنین گفته می شود که اصرار آمریکا بر تسریع در

برگزاری انتخابات در جهت زمینه سازی برای دست کم عقب نشینی از شهرها و خریدن به پایگاههای نظامی در مناطق امن بوده است.

اما در ارتباط با جوانب شرعی مسئله مقاومت در برابر اشغالگران و فتاوی صادره در مورد آن یادآوری این موضوع را لازم می دانیم که بنابر گفته دکتر سمیر عبید و عبدالامیر علوان: آیت الله سیستانی یک هفته پیش از تهاجم کشورهای اشغالگر به عراق طی فتوایی رویارویی با آنان را واجب شرعی و همکاری با مهاجمان را خفت و عار بر شمرده است. آنان مدعی هستند که متن آن فتوارا در اختیار دارند.

برای کسانی که به جوانب شرعی مقاومت اهمیت می دهند، آراء تعدادی از هیئت ها و شخصیت های مستقل را در مورد مقاومت یادآوری می نمایم:

۱- اتحاد جهانی علمای مسلمین:

«مقاومت ملت مجاهد عراق در برابر نظامیان اشغالگر بیگانه، در جهت آزادسازی سرزمین خود و بازگرداندن حاکمیت ملی، بر تمامی کسانی که استطاعت آن را دارند - چه در داخل عراق و چه در خارج آن - مادامی که به امت اسلامی وابستگی دارند واجب شرعی به شمار می آید. بدون تردید خداوند با این فرموده اش این اجازه را به ایشان داده است که: «أذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا» حج/ ۳۹؛ اجازه دفاع از خود به کسانی داده شده است که جنگ به ایشان تحمیل شده و مورد ستم قرار گرفته اند.

همچنین مسلمانان را اینگونه مورد خطاب قرار داده است که: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم» بقره/ ۱۹؛ در راه خداوند با کسانی بجنگید که با شما می جنگند. این جنگ از نوع جهاد دفاعی است که به وجود رهبریتی عمومی (حکومت اسلامی و خلیفه مسلمین) نیازی ندارد، و در حد توان به آن اقدام می شود. از طرف دیگر لازم به یادآوری است که مقاومت در برابر اشغالگران حق مشروعی است که معاهدات بین المللی و منشور حقوق بشر سازمان ملل آن را مورد تأیید قرار می دهد.» (بیانیه پایانی دومین گردهمایی اتحاد جهانی علمای مسلمین، بیروت ۲۰۰۴/۱۷/۱۹)

۲- دکتر یوسف قرضاوی:

«عالمان در گذشته و عصر حاضر در این مورد اتفاق نظر دارند که هر گاه کشوری اسلامی مورد تهاجم بیگانگان قرار گیرد، جهاد دفاعی در برابر آنها فرض عین است و به اجازه و وجود حاکم و نظام سیاسی و خلیفه نیازی وجود ندارد.» (مصاحبه مطبوعاتی پس از پایان اجلاس بیروت)

۳- محمد مهدی عاکف، رهبر اخوان المسلمین:

«مقاومت در برابر صلیبی ها و صهیونیست های اشغالگر

مقاومت در برابر

اشغالگران به هیچوجه به معنای اقدام به کشتن افراد بیگانه نیست و همانگونه که پیشتر گفته شد بسیاری از آگاهان اوضاع عراق بسیاری از ترورها را کار سازمان های اطلاعاتی اشغالگران با هدف ضایع نمودن چهره مقاومت مشروع و قانونی به شمار می آورند.

در عراق دفاع از شرف و کرامت امت اسلامی است.» (در گفتگو با برنامه الشریعة والحیة)

۴- دکتر محمد عماره، متفکر مشهور مصری و عضو هیئت تحقیقات دانشگاه الازهر:

«آمریکایی‌های ابزار دست صهیونیست بین المللی با هدف تغییر جغرافیای سیاسی در منطقه به قول آنها خاورمیانه بزرگ خوابهای خطرناکی را برای هدف قرار دادن دین، فرهنگ، و نیروهای بشری و سرمایه‌های مادی منطقه - بیش از گذشته - تدارک دیده‌اند که تلاش برای جایگزین نمودن ملیت ترکی، کردی و عربی به جای مسلمانی یکی از آن توطئه‌های خطرناک به شمار می‌آید.» (سایت تلویزیون اقرأ)

۵- صلاح الدین محمد بهاء الدین دبیر کل «اتحاد اسلامی کردستان عراق»:

«هر کشوری که توسط بیگانگان اشغال شده باشد مقاومت در برابر اشغالگران اقدامی طبیعی است.» (مصاحبه با شبکه الجزیره)

۶- ۲۶ نفر از علماء و متفکران غیر دولتی عربستانی:

«مقاومت در برابر اشغالگران عراق بر تمامی کسانی که توانایی آن را دارند واجب شرعی است.» (سایت اسلام امروز)

۷- فتوای ۶۰۰ نفر از علمای کردستان عراق در ارتباط با وجوب مقاومت در برابر اشغالگران چند هفته پیش از تهاجم به آن کشور. (سایت: www.refomrabia.net)

۸- جناب استاد ملا عبدالکریم مدرس:

«رویاری و مقاومت علیه آمریکایی‌های متجاوز و محارب و کافر بر تمامی کسانی که توانایی آن را دارند و با استفاده از تمامی وسایل ممکن بر اساس نصوص شرعی و آرای علمای سلف و خلف واجب شرعی است. و هرگونه همکاری سیاسی و نظامی با اشغالگران سبب خارج شدن همکاری کننده از اسلام می‌شود.»

۲۲/مهرم ۱۴۲۴ ه. ق (نص فتوا موجود است).

خداوند می‌فرماید: «و لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت فمنهم من هدی الله و منهم من حقت علیه الضلالة» نحل ۳۶؛ به میان هر یک از ملت‌ها پیامبری را برانگیختیم که (به آنها ابلاغ کنند) تنها خداوند

را عبادت کنید و از (عبادت و تبعیت) طاغوت پرهیز نمایید. برخی از آنها (با گرویدن به این فراخوانی) راه هدایت خدایی را در پیش گرفتند و برخی دیگر با تبعیت از طاغوت در راه گمراهی گام نهادند.

«و لن ترضی عنک الیهود و لا النصراری حتی تتبع ملتهم»؛ هیچگاه یهودیان و مسیحیان از شما خوشنود نمی‌شوند مگر اینکه به آیین و فرهنگ ملت ایشان در آیی. همچنین قرآن هدایتگر آنهایی را که راه پرهیزکاری را می‌خواهند در پیش بگیرند مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «ولا تتركوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و ما لکم من دون الله من اولیاء ثم لا تنصرون» هود ۱۱۳؛ به آنهایی که راه ستم (طغیان و تفرعن) را در پیش گرفته‌اند، تکیه نکنید و تمایل نشان ندهید. اگر چنان کنید گرفتار (ذلت و خواری دنیوی و) عذاب اخروی می‌شوید و به غیر از خداوند هیچ دوست و حامی ندارید (و اگر به دنبال ستمکاران و طواغیت بیفتید) از حمایت و یاری او محروم می‌شوید.

بر اساس قوانین حاکم بر هستی و جامعه‌های بشری و تجارب تاریخی در مورد سرنوشت امپراتوری‌های خودکامه هیچ بعید نیست که اشغالگران عراق به سرنوشت شوروی سابق دچار شوند.

سلامت و سربلندی از آن کسانی خواهد بود که با آگاهی و چشم‌باز و بررسی تمامی جوانب شرعی و قانونی و دنیوی و اخروی می‌گویند، می‌نویسند و عمل و اقدام می‌نمایند.

۱- کتاب «تاریخ جنبش‌های مردم کرد» نوشته علاء الدین سجادی.

۲- سایت العراق للجمعیع: www.iraq4all.dk

۳- سایت الجزیره: www.aljazeera.net

۴- سایت هیئت علمای اهل سنت عراق:

www.basaernews.com

۵- سایت اسلام آن لاین: www.eslamonline.net

۶- سایت حزب اسلامی عراق:

www.iraqiparty.com

۷- سایت اتحاد اسلامی کردستان عراق:

www.kurdiu.org

✓دکتر محمد عماره: «آمریکایی‌های ابزار دست صهیونیست بین الملل با هدف تغییر جغرافیای سیاسی در منطقه به قول آنها خاورمیانه بزرگ خوابهای خطرناکی را برای هدف قرار دادن دین، فرهنگ، و نیروهای بشری و سرمایه‌های مادی منطقه - بیش از گذشته - تدارک دیده‌اند.»

برای اطلاع از مسائل اسلامی اخبار جهان اسلام و تحلیل مسائلی روز به سبب
صلاح الدین ذات نیت مراجعه نمایند. www.salahadin.net